

بعضی از فعل‌ها می‌توانند به طور هم‌زمان ۲ مفعول در جمله داشته باشند: مفعولی که کار روی آن انجام می‌شود (مفعول مستقیم یا بی‌واسطه) و مفعولی که کار برای آن انجام می‌شود (مفعول غیرمستقیم یا متمم). بنابراین، می‌توانیم جمله را ۲ بار مجهول کنیم و هر بار یکی از این مفعول‌ها را در ابتدای جمله قرار بدهیم.

Active: They offered **a job** to **me**. = They offered **me** a **job**.

معلوم: آن‌ها یک شغلی (مفعول مستقیم) را به من (مفعول غیرمستقیم) پیشنهاد کردند.

Passive 1: **A job** was offered to me. مفعول «۱»: یک شغل به من پیشنهاد شد.

Passive 2: **I** was offered a job. مفعول «۲»: به من یک شغل پیشنهاد شد.

• به این نوع فعل‌ها، فعل‌های دومفعولی می‌گوییم. بعضی از مهم‌ترین فعل‌های دومفعولی در زبان انگلیسی عبارت‌اند از:

ask	give	lend	offer	pay	promise	refuse	send	show	teach	tell
درخواست کردن	دادن	قرض دادن	پیشنهاد کردن	پرداختن	قول دادن	نکندن	فرستادن	نشان دادن	یاد دادن	گفتن

توسط چه کسی؟

اگر بخواهید شخص انجام‌دهنده کار را در جمله مجهول زیر سؤال ببرید، می‌توانید از یکی از دو ساختار زیر در قسمت B استفاده کنید.

A: This is my favorite science fiction book.

B: **Who** was it written **by**? = **By whom** was it written?

الف: این کتاب، کتاب علمی‌تخیلی مورد علاقه من است. ب: این کتاب توسط چه کسی نوشته شده؟

۴ تست دست‌گرمی

1. The car is three years old but very much.

- 1) didn't use 2) hasn't used 3) wasn't using 4) hasn't been used

2. Twelve famous people on the Titanic on 10 April 1912.

- 1) died 2) were died 3) have died 4) have been died

3. Today, the students the passive voice.

- 1) taught 2) have taught 3) were taught 4) were teaching

4. Sigmund Freud the father of psychoanalysis.

- 1) knew 2) is known by 3) has known 4) is known as

۱- گزینه «۴»: «این ماشین مال سه سال پیش است، ولی از آن خیلی زیاد استفاده نشده است.»

۱) استفاده نکرد ۲) استفاده نکرده است ۳) استفاده نمی‌کرد ۴) استفاده نشده است

فعل USE (استفاده کردن از) یک فعل گذرا (متعدی) است و بعد از خود به مفعول نیاز دارد؛ ولی بعد از جای خالی، هیچ اسم یا ضمیری وجود ندارد که نقش مفعول را بازی کند. به عبارت دیگر، مفعول، خود «ماشین» بوده که در ابتدای جمله و در جایگاه فاعل قرار گرفته؛ یعنی جمله مجهول است. از بین گزینه‌ها، فقط گزینه (۴) مجهول است.

۲- گزینه «۱»: «دوازده آدم مشهور در ۱۰ آوریل ۱۹۱۲ در تایتانیک مردند.»

۱) مردند ۲) مرده شدند!!!! ۳) مرده‌اند ۴) مرده شده‌اند!!!!

فعل die (مردن) یک فعل ناگذر (لازم) است و اصلاً نمی‌تواند به شکل مجهول دربیاید. برای همین است که ترجمه گزینه‌های مجهول (۲ و ۴) این قدر مسخره شده است. و البته به خاطر حضور قید زمان گذشته در انتهای جمله، گزینه (۱) را به گزینه (۳) ترجیح می‌دهیم.

۳- گزینه «۳»: «امروز، وجه مجهول به دانش‌آموزان تدریس شد.»

۱) تدریس کردند ۲) تدریس کرده‌اند ۳) تدریس شد ۴) داشتند تدریس می‌کردند



قسمت دوم: پرسش‌های تأییدی

جمله‌های زیر را بخوانید و به سؤال کوتاهی که در انتهای هر کدامشان آمده، دقت کنید:

- Maryam can speak French, **can't she**? مریم می‌تواند فرانسوی صحبت کند، مگر نه؟
 The film wasn't very good, **was it**? فیلم خیلی خوب نبود، درست است؟
 به جمله‌های سؤالی کوتاهی که در انتهای یک جمله خبری می‌آید، «پرسش‌های تأییدی» گفته می‌شود. گوینده با استفاده از این نوع سؤال‌ها قصد دارد از درستی یا نادرستی یک خبر مطلع شود؛ یا توقع دارد شنونده حرف او را تأیید کند. بعضی‌ها به این نوع سؤال‌ها، «پرسش‌های ضمیمه‌ای» یا «پرسش‌های دنباله‌ای» می‌گویند. این پرسش‌ها در فارسی، معمولاً به شکل «مگر نه؟»، «درست است؟» یا «این‌طور نیست؟» ترجمه می‌شود.

ساخت یک پرسش تأییدی، قدم‌به‌قدم

- بعد از جمله خبری یک وی‌رگول بگذارید. Ali has locked the door, ...
- فعل کمکی جمله را بعد از وی‌رگول بازنویسی کنید. Ali has locked the door, **has** ...
- اگر جمله منفی بود، فعل کمکی را به شکل مثبت در بیاورید. اگر جمله مثبت بود، فعل کمکی را به شکل مخفف، منفی کنید (**n't**). Ali has locked the door, **hasn't** ...
- فاعل جمله را به شکل ضمیر بازنویسی کنید. Ali has locked the door, **hasn't he** ...
- علامت سؤال بگذارید. Ali has locked the door, **hasn't he?**

- در جمله‌های مثبت حال ساده و گذشته ساده، خبری از فعل کمکی نیست. به همین خاطر از فعل‌های کمکی do و does و did استفاده می‌کنیم. Leyla **plays** the piano, **doesn't she?** لیلا پیانو می‌زند، مگر نه؟
 - آن‌ها نزدیک این‌جا زندگی می‌کنند، مگر نه؟ They **live** near here, **don't they?**
 - سپهر از فیلم خوشش آمد، مگر نه؟ Sepehr **liked** the movie, **didn't he?**
- اگر مطمئن نیستید که فعل‌های کمکی کدام‌اند، عیبی ندارد. من برایتان می‌گویم. فعل‌های کمکی این‌ها هستند:

am, is, are, was, were

do, does, did

has, have, had

can, could, will, would, may, might, shall, should, ought to, must

بعضی استثناات در ساخت پرسش تأییدی

- اگر جمله با let's (بیا، بگذار) شروع شده باشد، پرسش تأییدی با shall we? ساخته می‌شود. Let's go for a walk, **shall we?** بیا برویم قدم بزنیم، باشد؟
- اگر جمله خبری با I am شروع شده باشد، پرسش تأییدی آن I aren't? است. البته در حالت خیلی رسمی می‌توانیم از am I not? هم استفاده کنیم. من دیر کرده‌ام، مگر نه؟ I'm late, **aren't I?** (= am I not?)
- اگر در جمله not وجود نداشت ولی یک عامل منفی‌ساز دیگر حضور داشت، باز هم جمله، منفی به حساب می‌آید و پرسش تأییدی آن باید مثبت باشد. بعضی از عوامل منفی‌ساز عبارت‌اند از:

no, nobody, no one, nothing, nowhere, none, neither

little, few, hardly, rarely, scarcely, seldom, never

- You **never** call her, do you? تو هرگز به او زنگ نمی‌زنی، مگر نه؟



تست‌های گرامر

تست‌های ۱ تا ۷۰ مربوط به مبحث معلوم و مجهول است. تست‌های ۷۱ تا ۱۰۰ از قسمت پرسش‌های تأییدی طرح شده. تست‌های ۱۰۱ تا ۱۳۰ دربارهٔ حروف ربط هم‌پایه‌ساز است. ولی تست‌های ۱۳۱ تا ۱۷۵ درهم است. خودتان باید زحمت بکشید و مبحث را تشخیص بدهید. به علاوه، بعضی از گرامرهای آن هم ترکیبی از این ۳ مبحث است. بروید ببینم چه می‌کنید.

- ❖ 1. Abraham Lincoln at Ford's Theater on April 15, 1865.
1) killed 2) was killed 3) has killed 4) has been killed
- ❖ 2. Most of the cost of university education by the government.
1) is paying 2) is paid 3) has paid 4) was paying
- ❖ 3. In 1928, Scottish scientist Alexander Fleming penicillin by accident.
1) discovered 2) has discovered 3) was discovered 4) has been discovered
- ❖ 4. One of the two lost children alive and well in a London park.
1) found 2) were found 3) has found 4) has been found
- ❖ 5. He is a great author but his books translated into any foreign languages yet.
1) were not 2) have not 3) have been not 4) have not been
- ❖ 6. More chocolate in the US than in any other country in the world.
1) is eaten 2) are eaten 3) has eaten 4) have eaten
- ❖ 7. According to scientists, dinosaurs millions of years ago.
1) existed 2) have existed 3) were existed 4) have been existed
- ❖ 8. I usually read a magazine while my hair
1) is cutting 2) is being cut 3) has cut 4) has been cut
- ❖ 9. The baby born with a heart problem and weighed only 1 kilogram.
1) is 2) has 3) was 4) has been
- ❖ 10. As we watched, the airplane into the clouds.
1) disappears 2) disappeared 3) is disappeared 4) was disappeared
- ❖ 11. We three days to finish our English homework, but I think it will take more time.
1) were given 2) have given 3) are going to give 4) will give
- ❖ 12. The class was too large last semester, so it into two sections.
1) has divided 2) was divided 3) hasn't divided 4) wasn't divided
- ❖ 13. Mr Goudarzi as the best teacher I ever had.
1) always remembers 2) has always remembered
3) is always remembered 4) will always remember
- ❖ 14. The hall this week so our class will be in a different room.
1) is painting 2) was painting 3) is being painted 4) was being painted
- ❖ 15. We had them over for dinner a couple of times, but they never us back.
1) invited 2) were invited 3) have been invited 4) are going to be invited
- ❖ 16. This group of chemicals believed to be harmful to people with asthma.
1) is 2) has 3) are 4) have
- ❖ 17. Look at this beautiful photo. Who?
1) has taken 2) was taken 3) was it taken 4) was it taken by
- ❖ 18. Without my asking, we were provided with a vehicle to use while my car repaired.
1) is going to be 2) was being 3) will be 4) has been

نگاهی به کلمه‌های جدید درس ۱ دوازدهم - کتاب درسی

<p>score /skɔ:t/ n, v [امتحان] نمره [بازی و مسابقه] امتیاز، نتیجه</p>	<p>فقط یک نفر از امتحان نمره کامل گرفت. Only one person got a perfect score on the test. نتیجه مسابقه در نیمه اول دو بر یک شد. The score at halftime was 2-1.</p>
<p>sense /sens/ n, v حس، احساس [عقل، فهم، شعور، منطقی]</p>	<p>سگ حس بویایی خود را از دست داد. The dog lost his sense of smell. منتظر ماندن عاقلانه نیست. There's no sense in waiting. امیدوار بودند که اتفاقات اخیر او را سر عقل بیاورد. They hoped recent events would bring him to his senses.</p>
<p>sense of appreciation قدرشناسی</p>	<p>I wish to express my sense of appreciation to my wife for her support and encouragement. دوست دارم قدرشناسی خود را نسبت به همسرم بابت حمایت و تشویقش ابراز کنم.</p>
<p>series /'sɪrɪz/ n رشته، سلسله، سری [مجموعه، دسته] [مجموعه رادیویی یا تلویزیونی، سریال]</p>	<p>We've had a series of problems with our computer network. ما یک سری مشکل در شبکه رایانه‌ای خود داشته‌ایم. مجموعه تلویزیونی مورد علاقه‌ات چیست؟ What's your favorite TV series?</p>
<p>shout /ʃaʊt/ v, n فریادکشیدن [فریاد]</p>	<p>لازم نیست سر من فریاد بکشی. There's no need to shout at me. فضا پر بود از فریادهای خشمگینانه. The air was filled with angry shouts.</p>
<p>signal /'sɪgnəl/ v, n علامت‌دادن، خبردادن از، نشان‌دادن [علامت، پیام]</p>	<p>آبریزش بینی معمولاً نشانه سرماخوردگی است. Runny nose usually signals a cold. شلیک نکنید تا من علامت بدهم. Don't fire until I signal. = Don't fire until I give you a signal.</p>
<p>so /soʊ/ conj بنابراین، در نتیجه</p>	<p>We were bored with the movie, so we left. حوصلمان از فیلم سر رفت، در نتیجه [از سینما] آمدیم بیرون. هیچ صندلی‌ای باقی نمانده، بنابراین باید بایستی. There are no more chairs available, so you'll have to stand.</p>
<p>sofa /'soʊfə/ n کاناپه</p>	<p>I fell asleep on the sofa in front of the TV. روی کاناپه جلوی تلویزیون خوابم برد.</p>
<p>solution /sə'lju:ʃn/ n راه‌حل [حل] [محلول]</p>	<p>The solutions to the math problems are in the back of the book. راه‌حل‌های این مسائل ریاضی در آخر کتاب وجود دارد.</p>
<p>sometime /'sʌmtaɪm/ adv زمانی، روزی [یک روزی، یک وقتی]</p>	<p>The book was written sometime around 1970. این کتاب در زمانی حدود سال ۱۹۷۰ نوشته شد. ما باید یک وقتی دور هم جمع شویم. We should get together sometime.</p>
<p>sound /saʊnd/ v احساس‌شدن، به نظر آمدن [صدادادن] [به صدا درآوردن]</p>	<p>نقشه آن‌ها به نظر من خوب است. Their plan sounds good to me. اگر زنگ خطر به صدا درآمد، فوراً ساختمان را ترک کن. If the alarm sounds, leave the building immediately. آن‌ها زنگ خطر را به صدا درآوردند. They sounded the alarm.</p>
<p>spare /sper/ v مضایقه‌کردن، دریغ‌کردن [عفوکردن، چشم‌پوشی کردن] [از کشتن (کسی) گذشتن] [کنار گذاشتن، اختصاص‌دادن] [لازم‌نداشتن، اضافه‌داشتن]</p>	<p>No one knows why the gunman shot some people and spared others. هیچ کس نمی‌داند که چرا مرد مسلح بعضی‌ها را کشت و از کشتن دیگران گذشت. آیا می‌شود چند دقیقه [از وقت را] به من اختصاص بدهی؟ Can you spare me a few minutes? آن‌ها وقتی به تعطیلات می‌روند، از هیچ خرجی مضایقه نمی‌کنند. When they go on vacation, they spare no expense. خیلی دوست دارم بیایم، ولی متأسفانه نمی‌توانم زمانی را به این کار اختصاص بدهم (وقتش را ندارم). I'd love to come, but I'm afraid I can't spare the time.</p>
<p>The hotel staff spared no pains to make sure that our stay was as enjoyable as possible. کارکنان هتل برای اطمینان از این‌که اقامت ما تا حد ممکن لذت‌بخش باشد، از هیچ رنجی مضایقه نمی‌کردند (تمام سعی خود را می‌کردند). طوفان از خانه ما چشم‌پوشی کرد (خانه ما را خراب نکرد) در حالی که ساختمان‌های اطراف خراب شدند. The storm spared our house while nearby buildings were destroyed.</p>	



نگاهی به کلمه‌های آشنای درس ۱ دوازدهم - کتاب درسی و کتاب کار

member /'membər/ n	عضو	set /set/ n	مجموعه، رشته، گروه، دست
microwave oven /,maɪkrəweɪv 'ʌvən/ n	[اجاق] مایکروویو	share /ʃer/ v	تقسیم کردن، قسمت کردن شریکی استفاده کردن از، شریک بودن به اشتراک گذاشتن
memory /'meməri/ n	حافظه، خاطر، یاد	similar /'sɪmələr/ adj	همانند، مشابه، شبیه
mention /'menʃn/ v	ذکر کردن، اشاره کردن به، نام بردن از، گفتن	skim /skɪm/ v	نگاهی اجمالی انداختن به، ورق زدن، تورق کردن
mostly /'məʊstli/ adv	عمدتاً، بیشتر، در اکثر موارد معمولاً	smartphone /'smɑ:tfəʊn/ n	تلفن همراه هوشمند
native /'neɪtɪv/ adj	بومی، محلی، آبا و اجدادی، مادری	society /sə'saɪətɪ/ n	جامعه، انجمن
no matter	بدون توجه به این که، مهم نیست که	special /'speʃl/ adj	مخصوص، خاص، استثنایی
on one's own	تنها، تک‌وتنها، به تنهایی	success /sək'ses/ n	موفقیت، شخص موفق، رویداد موفقیت‌آمیز
orally /'ɔ:rəli/ adv	به طور شفاهی، به صورت خوراکی	suitable /'su:ɪtəbl/ adj	مناسب
plan /plæn/ n, v	نقشه، طرح، برنامه، نقشه کشیدن، برنامه‌ریزی کردن، قصد داشتن	sure /ʃʊr/ adj	مطمئن، قطعی
prefer /prɪ'fɜ:z/ v	ترجیح دادن	take care of	مراقبت کردن از، رسیدگی کردن به، پرداختن به
product /'prɔ:ɪdʌkt/ n	تولید، تولیدات، محصول، کالا، نتیجه، حاصل	thought /θɔ:t/ n	فکر، تفکر
project /'prɔ:ɪdʒekt/ n	طرح، برنامه، پروژه، تحقیق	title /'taɪtl/ n	عنوان، لقب
protect /prə'tekt/ v	محافظت کردن از، دفاع کردن از	too /tu: / adv	بیش از حد، زیاد، فراوان، نیز، هم، همچنین
proud /praʊd/ adj	مفتخر، سرفراز، سربلند، مغرور، بلندنظر، متکبر، خودخواه، غرورآفرین، شکوهمند	topic /'tɔ:ɪk/ n	موضوع، مبحث
quite /kwaɪt/ adv	کاملاً، واقعاً، تا حدی	toy /tɔɪ/ n	اسباب‌بازی
rarely /'reɪli/ adv	به ندرت، گه‌گاه	translate /træns'leɪt/ v	ترجمه کردن، ترجمه شدن، تبدیل کردن، تبدیل شدن
reason /'ri:zən/ n	دلیل، علت، عقل، شعور	type /taɪp/ n	نوع، گونه
refer /rɪ'fɜ:z/ v	اشاره کردن، ارجاع دادن، مراجعه کردن	value /'vælju: / n	ارزش، قیمت
respect /rɪ'spekt/ n, v	احترام، احترام گذاشتن	wear /weɪ/ v (wore, worn)	[لباس] پوشیدن، [آرایش، تبسم، نگاه و مانند آن] داشتن، بر چهره داشتن
result /rɪ'zʌlt/ n	نتیجه، ثمره، حاصل	weave /wi:v/ v (weaved or wove, weaved or woven)	بافتن، بافتندگی کردن، [داستان و مانند آن] ساختن، درست کردن
rule /ru:l/ n	قاعده، قانون، [به صورت جمع] مقررات	wonderful /'wʌndəfʊl/ adj	عالی، فوق‌العاده، عجیب، شگفت‌آور
scientist /'saɪəntɪst/ n	دانشمند	worthy /'wɜ:riði/ adj	درخور، سزاوار، لایق، شایسته
serious /'sɪəriəs/ adj	جدی، مهم، وخیم		



این متن هم مال ریاضی ۱۳۹۷ است و این بار هم حتی به یک کلمه از متن دست نزده‌ام. ظاهر و باطن! فقط از سؤال اول هول نکنید. پرسیده است «اطلاعات متن چه‌طور ارائه شده». شاید این سؤال یک جوری باشد، ولی در عوض در سؤال آخر جبران کرده و پرسیده «کدام کلمه در متن define شده است». این نوع سؤال‌ها را یادتان هست؟ باید گزینه‌ها را توی متن پیدا می‌کردید و می‌دیدید آیا جلوی‌شان تعریفی، توضیحی، چیزی نوشته شده است یا نه.

☉ People love to compare and contrast. In most parts of England, you buy your bus ticket on the bus. In France, you buy it at a metro station. In Australia, you can buy it from a newsagent. We all find this kind of comparison amusing. Books on cross-cultural communication use our curiosity by focusing on differences between people across the world: in social behavior, the roles they play in society, their viewpoint towards money, the importance of their body language, etc.

Proxemics, the study of different standards of personal space, is one example. How close I stand to someone when I am speaking to them depends not only on my relationship to them, but also on my culture. This is important because if the person I am with is not used to standing as near as I do when we are talking to each other, they might feel uncomfortable. Statistics tell us that the average distance at which two people stand in a social context - neighbors talking together, for example - is anything between 1.2 meters and 3.5 meters. In Latin cultures (South America, Italy, etc) and also in China this distance tends to be smaller, while in Nordic cultures (Sweden, Denmark, etc.) people usually stand further apart.

426. Which of the following best describes the way the information in the passage is presented?

- 1) A particular event is mentioned and the reasons for its existence are discussed.
- 2) A general point is made and then a particular case related to it is mentioned.
- 3) An interesting topic is introduced and the ideas for and against it are stated.
- 4) Different aspects of the same thing are introduced and are then compared.

427. According to the passage, how close we stand to someone we are communicating with varies based on the following factors EXCEPT

- 1) our culture
- 2) our country
- 3) our neighbors
- 4) our relationship with them

428. According to the passage, the distance at which people stand in a social context

- 1) is 1.2 meters or 3.5 meters all over the world
- 2) is the smallest in the world in Latin cultures
- 3) tends to change in the course of time
- 4) is not fixed under all circumstances

429. Which of the following is defined in the passage?

- 1) proxemics
- 2) social context
- 3) social behavior
- 4) cross-cultural communication

